

بلان

گلایه سازندگان فیلم «قمارباز»

جابه جایی بدون هماهنگی و
موافقت سازندگان فیلم، حکم
تضییع حقوق فیلمسازان را دارد

جابه جایی سانس های فیلم های فجر بلافاصله پس از انتشار جدول نمایش فیلم های فجر چهل و چهارم آغاز شد و در روز های بعد نیز همچنان ادامه یافت؛ چنان که رفت و آمد فیلم ها در بخش سودای سیمرخ نیز تا چند روز پس از آغاز جشنواره هم ادامه یافت. پیش از شروع جشنواره اعلام شد «خجستگانی که در جنگ ملاقات کردم» ساخته امیر شهاب رضویان به فجر نمی رسد و جایش «عروس چشمه» به کارگردانی فریدون نجفی به مسابقه راه یافت و پس از آن به روایت بر گزار کنندگان جشنواره، این فیلم رزرو هم به فیلم فجر نرسید و جایش را به فیلم دیگری داد. در باره بقیه فیلم ها هم جابه جایی هایی در نمایش فیلم ها صورت گرفت که سر و صدای سازندگان برخی فیلم ها را در آورده است. عوامل فیلم سینمایی «قمارباز» از جابه جایی اکران این اثر در جدول چهل و چهارمین جشنواره فیلم فجر گله کردند. در متنی که روابط عمومی فیلم در اختیار رسانه ها قرار داده، چنین آمده است: فیلم سینمایی «قمارباز» به کارگردانی محسن بهاری و تهیه کنندگی سجاد نصراللهی نسب، یکی از آثار حاضر در چهل و چهارمین دوره جشنواره فیلم فجر است. طبق برنامه اولیه اعلام شده توسط دبیرخانه جشنواره، این فیلم قرار بود در تاریخ ۱۹ بهمن در پردیس سینمایی ملت و ۲۰ بهمن در سالن برج میلاد به نمایش درآید اما در تاریخ ۱۱ بهمن، دبیرخانه به طور ناگهانی زمان اکران را به ۱۲ و ۱۳ بهمن تغییر داد و این تغییر بدون هماهنگی و موافقت تیم سازنده انجام شد. عوامل فیلم از طریق رسانه ها از این جابه جایی مطلع شدند و بلافاصله برای پیگیری به دبیرخانه مراجعه کردند. طبق اظهارات دبیر جشنواره، دلیل این تغییر عدم آماده سازی فیلم سینمایی «خواب» اعلام شد و زمان اکران «قمارباز» با فیلم «خواب» به صورت خودسرانه جابه جا شد. با این حال، اتفاقات بعدی نشان دهنده تناقض در این توضیح بود. در روز ۱۲ بهمن، فیلم «قمارباز» طبق برنامه جدید در پردیس ملت به نمایش درآمد اما در روز ۱۳ بهمن در برج میلاد، بر خلاف برنامه تغییر یافته، فیلم «خواب» (طبق زمانبندی اولیه دبیرخانه) اکران شد و «قمارباز» نمایش داده نشد. پیگیری عوامل «قمارباز» از مسئولان برج میلاد حاکی از آن است که نسخه فیلم به موقع به جشنواره تحویل داده شده بود و مسئولان فنی سالن نیز طبق برنامه اولیه اقدام به پخش کردند. این موضوع نشان می دهد فیلم «خواب» بر خلاف ادعای اولیه، آماده نمایش بوده و دلیل اعلام شده برای جابه جایی اکران، پایه و اساس محکمی نداشته است. تیم سازنده طی ۲ روز گذشته بارها از دبیرخانه جشنواره و شخص دبیر، توضیح رسمی و شفاف درباره علت واقعی این تغییر و تضییع حقوق عوامل فیلم مطالبه کرده اند، اما تاکنون هیچ پاسخ روشنی دریافت نکرده اند.



روزنامه چهل و چهارمین
جشنواره بین المللی فیلم فجر

44nd
FAJR INTERNATIONAL
FILM FESTIVAL
پنجشنبه ۶ بهمن ۱۴۰۴ - شماره ۶



«ماکارونی»

بند قلبی که پاره می شود

◀ مریم پیرکاری - مدیرعامل موسسه تصویر شهر و روانشناس بالینی



«سرزمین فرشته ها» روایت سرزمینی است که در آن فرشتگان از آسمان فرود می آیند، کودک می شوند و کودکان، پس از عبور از رنج، دوباره فرشته می شوند و به آسمان بازمی گردند؛

چرخه ای که خیال پردازی نیست، بلکه استعاره ای عمیق از تجربه زیسته کودک در متن جنگ است.

سرزمین فرشته ها آگاهانه خود را از ایدئولوژی، مبانی دنیایی و مرزبندی های سیاسی کنار می کشد و درباره کودکان در جنگ شاعرانه سخن می گوید. جنگ در این فیلم نه فقط یک

موقعیت سیاسی، بلکه تلنگری است به جهان درونی تمام مخاطبانی که وجدانشان را خوابانده اند، بلکه به خواب زده اند.

«ضحی» به عنوان کاراکتری که برای بقای خود و کودکان می کوشد، جهان را فانتزی تعریف می کند و جلوتر، شهر را با موشک و بمب و آتش

به «شهر بازی» بدل می سازد؛ شهری که سر نوشت و شهروندانش، برای بیگانگان مهاجم، چیزی جز یک بازی نیست.

او واقعیت را انکار نمی کند، بلکه آن را به شکلی قابل تحمل باز آفرینی می کند. مهاجمان صهیونیست، غول هایی هستند که برای کودکان عینیت ندارند، اما با تولید صداهای هولناک، وحشت

می آفرینند؛ وحشتی که جهان کودکان را می لرزاند؛ کودکانی که ساده و عریان، در گیر ابتدایی ترین نیازهای انسانی اند و با گر سنگی، تشنگی و فقدان دست و پنجه نرم می کنند و اوج این مواجهه، سکانس واژگونی «ماکارونی» است که فقط یک اتفاق روایی نیست؛ بلکه لحظه ای است که بند دل مخاطب پاره می شود، چون فیلمساز بی واسطه به غریزه بقا دست می زند.

ترکیب منوچهر محمدی و بابک خواجه پاشا، هوشمندی در تألیف و ساخت را دوچندان کرده است؛ پیوند تجربه و جسارت، سرزمین فرشته ها را به اثری انسانی، اخلاقی و ماندگار تبدیل می کند.

